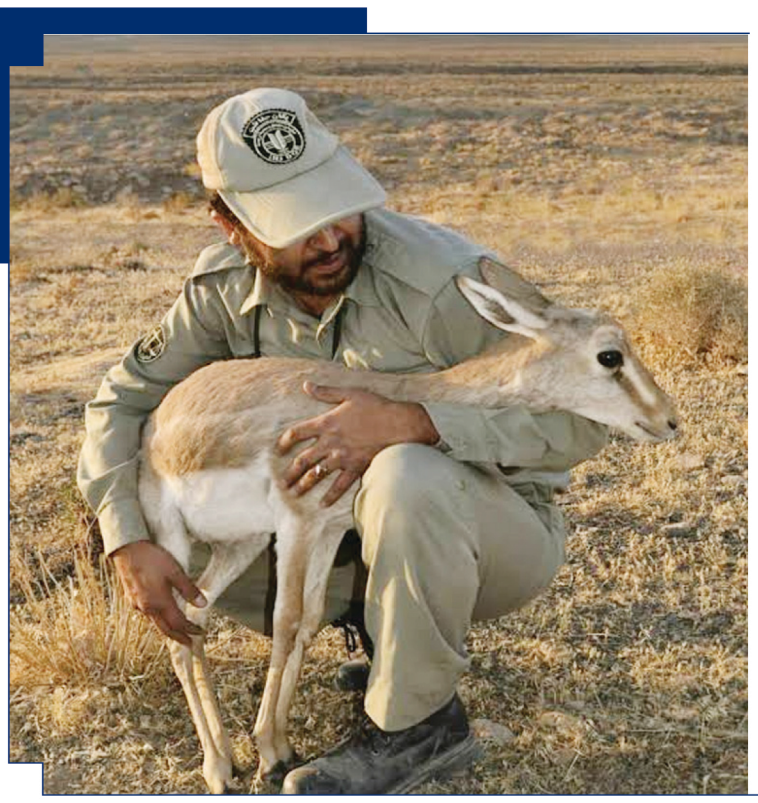
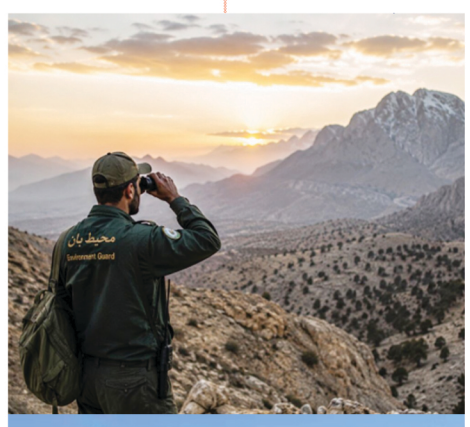
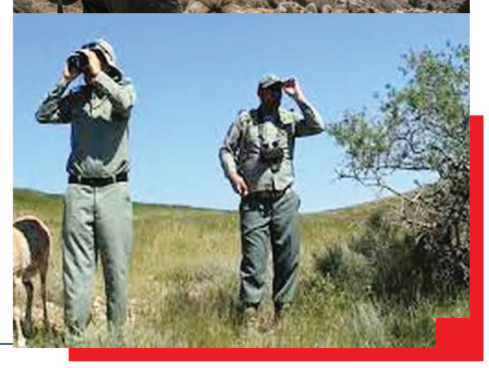






سربازان بی‌ادعای طبیعت؛

روایتی از چالش‌های شغل محیط‌بانی در ایران

شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور، در جلسه‌ای با استاندار خراسان‌جنوبی از توافق برای استخدام ۵۰۰ نیروی جدید تا پایان سال خبر داد. به گفته او، هرچند برخی موانع اداری و مالی موجب تأخیر در اجرای این طرح شده است، تقویت نیروی انسانی همچنان نیازی اساسی و حیاتی برای سازمان به شمار می‌رود و تحقق آن می‌تواند بخشی از خلأهای کنونی را جبران کرده و امکانات لازم را برای انجام مؤثر مأموریت‌های حفاظتی فراهم سازد. این خبر، هرچند در ظاهر یک گزارش اداری درباره بهبود ساختار سازمانی به نظر می‌رسد، اما برای شغلی که سال‌هاست با کمبود شدید نیرو، فرسودگی تجهیزات و خطرات مرگبار دست‌وپنجه نرم می‌کند، حکم نفس تازه‌ای را دارد؛ شغلی که کمتر کسی از ابعاد پنهان، شب‌زنده‌داری‌ها و فداکاری‌های بی‌دریغ آن در سکوت مطلق مناطق حفاظت‌شده آگاه است.

آنچه در پشت این خبر و اعداد و ارقام اداری نهفته است، تصویری تکان‌دهنده از یک خلأ جدی در خط مقدم صیانت از منابع طبیعی کشور است که فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست آن را صریح تشریح کرده است. رضا رستگار فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست می‌گوید کشور برای پوشش مناسب مناطق تحت حفاظت به حدود هفت هزار محیط‌بان نیاز دارد، اما در حال حاضر کمتر از ۶۰ درصد این ظرفیت فعال است؛ کمبودی ساختاری که از اوایل دهه ۱۳۹۰ و در پی عدم جایگزینی به‌موقع محیط‌بانان بازنشسته، مصدوم و جان‌باخته با نیروهای جدید، به‌طور جدی تشدید شده است. بر پایه استانداردهای پذیرفته‌شده جهانی، به ازای هر هزار هکتار از مناطق حفاظت‌شده باید حداقل یک محیط‌بان حضور داشته باشد، اما در ایران به‌طور میانگین یک محیط‌بان مسئولیت حفاظت از مساحتی بالغ بر ۱۲ هزار هکتار را بر عهده دارد؛ رقمی که فاصله چشمگیر و نگران‌کننده‌ای با معیارهای بین‌المللی نشان می‌دهد. بیش از ۲۰ میلیون هکتار از اراضی و زیستگاه‌های حساس کشور تحت مدیریت مستقیم سازمان محیط‌زیست قرار دارد و این بحران نیروی انسانی باعث شده است که هر محیط‌بان عملاً بار سنگین وظایفی معادل دوازده نفر را بر دوش بکشد. انصاری نیز در جریان افتتاح طرح قرنطینه تیمار و بازپروری حیات‌وحش در منطقه حفاظت‌شده باقران، به همین واقعیت تلخ اشاره کرده است که بیش از ۵۰ درصد پست‌های سازمانی این مجموعه بدون تصدی مانده و این کمبود در حوزه خطیر محیط‌بانی به مرز بیش از ۶۰ درصد رسیده است.

با این وجود، محیط‌بانی شغلی نیست که بتوان آن را صرفاً با تحلیل شاخص‌های اداری یا اعداد و ارقام آماری شناخت. طبیعت را اغلب ما از پشت شیشه خودرو، در قاب عکس‌های رنگارنگ یا در دل یک سفر کوتاه آخر هفته می‌بینیم؛ از دیدن انبوه درختان بلوط لذت می‌بریم و وقتی حیوانی را در دل دشت و جنگل می‌بینیم، چند لحظه‌ای می‌ایستیم تا از آن تصویر به‌یادماندنی عکس بگیریم. اما در همین طبیعتی که برای شهروندان می‌تواند چند ساعت آرامش و تفرج به همراه داشته باشد، کسانی هستند که روزها، ماه‌ها و سال‌های عمر، جوانی و سلامت خود را برای مراقبت شبانه‌روزی از آن می‌گذرانند. محیط‌بان باید چشم و گوش بیدار طبیعت باشد؛ آن‌قدر نزدیک به اقلیم و زیستگاه زندگی کند که تغییرات کوچک و پنهان اکوسیستم را ببیند و آن‌قدر مسئولانه رفتار کند که یک اشتباه کوچک، به بهای آسیب جبران‌ناپذیر به بخشی از پیکر طبیعت تمام نشود.

محیط‌بان نمونه کشور در توصیف عینی این حرفه پرچالش می‌گوید که هیچ‌گاه یک روز معمولی و قابل پیش‌بینی برای یک محیط‌بان وجود ندارد. شاید دقیقاً همان روزی که هیچ‌کس فکرش را نمی‌کند، به سخت‌ترین و نفس‌گیرترین روز کاری زندگی‌اش تبدیل شود؛ از عبور از مسیرهای صعب‌العبور و سخت‌گذر کوهستانی و خطر عقرب‌گزیدگی و مارگزیدگی گرفته تا رویارویی مستقیم و تن‌به‌تن با شکارچیان مسلح غیرمجاز و مهار آتش‌سوزی‌های سهمگین در دل جنگل‌ها و مراتع، همه این حوادث مرگبار ممکن است تنها در یک روز برای یک محیط‌بان رخ دهد. پشت این لباس فرم ساده، حرفه‌ای قرار دارد که با خستگی مفرط، تنهایی مطلق، مسیرهای دشوار و موقعیت‌هایی ناخواسته آمیخته است که هیچ‌کس نمی‌تواند از قبل آن‌ها را پیش‌بینی کند. کوه، دشت و جنگل برای بسیاری از انسان‌ها مقصد سفر و تفریح است، اما برای محیط‌بان، همان‌جا محل کار، کانون مسئولیت و گاهی میدان آزمون جان و توان جسمی و روحی‌اش محسوب می‌شود؛ شغلی که اگرچه با زیبایی‌های طبیعت آغاز می‌شود، اما خیلی زود با مفهوم‌های عمیقی مثل صبوری، دلبستگی شدید به بوم‌زیست و حتی فداکاری و ایثار گره می‌خورد. در میانه این همه سختی، محیط‌بانان معمولاً کمتر دیده می‌شوند؛ ما غالباً فقط نتیجه حضور سبز و حفاظتی آن‌ها را می‌بینیم و کمتر سراغی از روزهایی می‌گیریم که در سکوت سرد و دور از شهر، مسیرهای پرمخاطره را طی کرده‌اند، نگران امنیت خانواده‌هایشان بوده‌اند یا با بحران‌هایی روبه‌رو شده‌اند که برای یک زندگی عادی و شهری به هیچ عنوان قابل تصور نیست.

در طول دهه‌های گذشته، مناطق حفاظت‌شده ایران بارها شاهد حوادث تلخی بوده‌اند که طی آن، محیط‌بانان دلاور در دفاع از حیات‌وحش در حال انقراض و جنگل‌های کهسار، هدف گلوله مستقیم شکارچیان غیرمجاز و سودجویان طبیعت قرار گرفته و به درجه رفیع شهادت نائل آمده‌اند. این شکارچیان قانون‌گریز که برای کسب سودهای کلان از طریق قاچاق اجزای حیوانات، پوست، شاخ یا گوشت حیات‌وحش به هیچ اصل اخلاقی پایبند نیستند، در نقاط کور و دورافتاده مناطق حفاظت‌شده کمین می‌کنند و زمانی که با اخطار قانونی و حضور مقتدرانه محیط‌بانان مواجه می‌شوند، به جای تسلیم در برابر قانون، سلاح به روی حافظان بی‌دفاع طبیعت می‌کشند. شهادت ده‌ها محیط‌بان غیور در اقصی نقاط کشور از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، گواه روشنی بر این حقیقت تلخ است که لباس محیط‌بانی در ایران، افزون بر لباس خدمت، کفن پوشیدن در راه حفظ جان‌مایه این سرزمین است.

دکتر شینا انصاری بر ضرورت توسعه زیرساخت‌های نوین حفاظتی، تأمین خودروهای عملیاتی استاندارد و گسترش سامانه‌های پایش هوشمند به عنوان راهبردهای کلیدی سازمان تأکید کرده و یادآور شده است که استفاده از فناوری‌های نوین، نصب دوربین‌های مداربسته و عکاسی در زیستگاه‌های حساس، امکان نظارت دقیق‌تر بر رفتار حیات‌وحش و کاهش مواجهه مستقیم و خطرناک محیط‌بانان با متخلفان مسلح را فراهم می‌آورد. او با اشاره به مشاهده مستند دو قلاده یوزپلنگ آسیایی از سوی محیط‌بانان وظیفه‌شناس در استان خراسان‌جنوبی طی سال گذشته، این رویداد ارزشمند را نشانه‌ای بارز از پتانسیل و ظرفیت زیستی بی‌نظیر این منطقه دانست. افتتاح طرح قرنطینه، تیمار و بازپروری حیات‌وحش در منطقه حفاظت‌شده باقران نیز گامی عملیاتی در راستای حمایت از گونه‌های آسیب‌دیده و بازگرداندن آن‌ها به زیستگاه‌های طبیعی است؛ به طوری که گونه‌های پس از طی مراحل درمانی کامل، به طبیعت بازمی‌گردند و موارد آسیب‌دیده غیرقابل رهاسازی نیز در مراکز تخصصی مجاز نگهداری می‌شوند.

با تمام این تفاسیر، آنچه بیش از هر چیز می‌تواند التیامی بر زخم‌های کهنه این حوزه باشد، فراتر از جذب نیرو، تجهیز خودرو و هوشمندسازی است؛ محیط‌بانان ایران بیش از هر چیز به دیده‌شدن، تکریم اجتماعی و حمایت همه‌جانبه نهادها و آحاد جامعه نیاز دارند. حفاظت از محیط‌زیست صرفاً حفاظت از چند اصله درخت یا حمایت محدود از چند گونه جانوری نیست، بلکه مراقبت اصولی از حق حیات و سهم نسل‌های آینده از این سرزمین اهورایی است. رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست نیز بر همین اساس بر نقش بی‌بدیل مشارکت مردمی تأکید کرده و خاطرنشان ساخته است که برای دستیابی به نتایج پایدار در حفظ طبیعت، بهره‌گیری از ظرفیت جوامع محلی و تشکل‌های مردمی یک ضرورت انکارناپذیر است؛ چراکه صیانت از محیط‌زیست هرگز با تلاش‌های اداری نهادهای دولتی به تنهایی محقق نمی‌شود، بلکه آگاهی‌بخشی عمومی، توسعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و همسویی شهروندان با راهبردهای تخصصی سازمان، تنها راه تضمین‌پایداری طبیعت است. استخدام ۵۰۰ محیط‌بان جدید می‌تواند نقطه‌عطفی امیدوارکننده در این مسیر باشد، اما آنچه این سربازان مظلوم و بی‌ادعای خط مقدم را در ادامه راه دشوارشان دلگرم می‌سازد، ایجاد ساختار حمایتی امنیتی و قضایی قوی‌تر و نگاهی است که حرمت خون شهدای محیط‌بان و سختی‌های بی‌مرز این حرفه را با عیار واقعی خدمات آن‌ها هم‌وزن سازد. ■